

اسلوب و مقاصد بکارگیری تمثیل در دیوان حسّان‌العجم

حسین حاجی علیلو*

چکیده

تمثیل یکی از مباحث گسترده، پرسابقه و پرکاربرد در اشعار شاعران در دوره‌های مختلف شعر فارسی است. با توجه به اهمیت این موضوع، در کتاب‌های بیانی و بلاغی تعریف‌های متعددی برای آن نقل کرده‌اند. خاقانی که یکی از نمایندگان صاحب سبک شعر در دوره سلجوقی محسوب می‌شود، به مقوله تمثیل نگاهی ویژه دارد. در این جستار نگارنده در ابتدا ضمن پرداختن اجمالی به تعریف‌های مختلف تمثیل، اشعار خاقانی را از این جنبه در دو مقوله اصلی؛ یعنی اهداف و همچنین ابزار کاربرد تمثیل بررسی کرده، در پایان به این نتیجه رسیده است که اولاً بخش عمده‌ای از اندیشه محوری خاقانی که از ویژگی‌های معمول و مرسوم شاعران این عصر است، در تمثیلات وی؛ بویژه تمثیلاتی که به صورت تلمیح در آموزه‌های قرآنی و اعتقادی بیان شده، تجلی پیدا کرده است؛ ثانیاً اغراض و ابزار متنوع کاربرد تمثیل در اشعار خاقانی، گواه دیگری بر فردیت و سبک شخصی وی محسوب می‌شود.

کلید واژه‌ها:

تمثیل، خاقانی، دیوان، اهداف تمثیل، ابزار تمثیل، تنوع تمثیل.

* استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، صندوق پستی ۳۶۹۷-۱۹۳۹۵ تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۳/۲۰

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۱۲/۲۳

اسلوب و مقاصد بکارگیری تمثیل در دیوان حسان العجم

مقدمه

تمثیل پیشینه‌ای گسترده دارد؛ این پیشینه در اسطوره، ادبیات، بلاغت اسلامی و علم بیان قابل مشاهده است. یکی از جنبه‌های پر کاربرد تمثیل مربوط به کاربرد آن در شعر است. شاعران در دوره‌های مختلف از این روش، برای بیان غیرمستقیم معانی و اندیشه‌های شاعرانه خود بهره برده‌اند و با توسل و تمسک به تمثیلات مختلف، مقاصد خود را برای مخاطبان شعر آسان‌تر و واضح‌تر بیان کرده‌اند. قبل از پرداختن به اهداف و شیوه‌های کاربرد تمثیل در شعر خاقانی، لازم است به منظور آشنایی بیشتر، ابتدا به اجمال به تعاریف مختلف و اقسام تمثیل پردازیم.

اصطلاح تمثیل در زبان فارسی بر همه‌انواع حکایت، قصه‌های اخلاقی، ضرب‌المثل، اسلوب معادله و... اطلاق می‌شود. در کتاب‌های بلاغی صورت‌های مختلفی از تمثیل معرفی شده است.^۱ به‌طور کلی تمثیل را از حیث صورت و عناصر آن به انواع زیر تقسیم کرده‌اند.

۱- مَثَل: (Proverb) «مَثَل قولی کوتاه و مشهور است که حالتی یا کاری را به آن تشبیه کنند و غالباً شکل نصیحت‌آمیزی از ادبیات عامیانه است که محصول ذهن عوام و مبتنی بر تجربه‌های عادی زندگی است. این شکل را ضرب‌المثل نیز گویند که غالباً صورت فشرده یک داستان است» (پورنامداریان، ۱۳۷۵: ۱۱۳-۱۱۵) براساس کتب بلاغی متقدم‌تر، این تعریف از تمثیل مترادف ارسال مثل آمده است. همایی گوید: «ارسال مثل یا تمثیل آن است که عبارت نظم یا نثر را به جمله‌ای که مثل یا تشبیه مثل و متضمن مطلبی حکیمانه است، بیاریند و این صفت همه جا موجب آرایش و تقویت بنیه سخن می‌شود». (همایی، ۱۳۶۷: ۲۹۹)

۲- اسلوب معادله: اصطلاح اسلوب معادله نیز که تعریفی دیگر از ارسال مثل و تمثیل محسوب می‌شود، بیشتر برای مواردی است که شاعران سبک هندی به آن پرداخته‌اند. در این روش شاعر، در یک مصراع، اندیشه یا مفهوم ذهنی را بیان می‌کند و در مصراع دیگر، مثالی از طبیعت و اشیا و امور عینی را برای اثبات ادعای خود می‌آورد و آن را معادلی برای آن ادعای ذهنی قرار می‌دهد. البته این روش در شعر خاقانی معمولاً در یک بیت خلاصه نمی‌شود؛ بلکه ممکن است به صورت متوالی در دو بیت یا بیشتر نیز بیان شود؛ چنانکه در مقام مفاخره گوید:

خویشتن هم نام خاقانی شمارند از سخن پارگین را ابر نیسانی شناسند از سخا

نی همه یک رنگ دارد در نیستان‌ها ولیک / از یکی نی قند خیزد وز دگر نی، بوریا
(خاقانی، ۱۳۸۵: ۱۹)

۳- حکایت حیوانات: (**Beat fable**) حکایتی است کوتاه که اشخاص و عناصر آن غالباً از حیوانات هستند و به قصد بیان یک آموزه اخلاقی یا تجربه انسانی بیان می‌شود. این نوع تمثیل در زبانهای اروپایی «فابل» نامیده می‌شود.

۴- حکایت انسانی: حکایت انسانی که در زبان اروپایی به آن پارابل (**Parable**) می‌گویند، حکایتی است کوتاه که حاوی یک نکته اخلاقی است. فرق این حکایت با حکایت حیوانات در این است که اشخاص آن انسان هستند؛ همچنین وقایع و حوادثی که در پارابل رخ می‌دهد، در عالم واقعی

نیز ممکن است رخ دهد، دیگر اینکه درس اخلاقی «پارابل» نسبت به حکایات حیوانات در سطح متعالی‌تر قرار دارد. پارابل بیشتر به حقایق اخلاقی و روحانی نظر دارد، چنان که یک نمونه عالی از اخلاق انسانی را به منزله الگویی برای اخلاق عمومی مطرح می‌کند.^۳

بنابر تعریف‌های اجمالی که از جنبه‌های مختلف تمثیل ارائه شده، به نظر می‌رسد، یک وجه مشترک در همه این تعریفها وجود دارد و آن همان مطلبی است که زرین کوب از قول جرجانی نقل کرده است که «تمثیل تصویری حسّی است، که می‌باید امری را که غیر حسّی است، برای مخاطب به امر حسّی نزدیک و قابل ادراک نماید. به هر حال چون این تصویر حسّی است به کسانی که تصور امر مجرد و انتزاعی برای آنها مشکل می‌نماید، کمک می‌کند تا آنچه را تمثیل به نمایش می‌گذارد، در مخیله خویش ترسیم کنند و این که تمثیل برای عوام خلق از انواع حجت به شمار می‌رود، از همین معنی است» (زرین کوب، ۱۳۶۶: ۲۵۱).

در این مقاله تمثیل در اشعار خاقانی بیشتر با توجه به تعریف اخیر مورد نظر است؛ اما آنچه که در این تحقیق مورد توجه است، تنوع اهداف کاربرد تمثیل و همچنین تنوع ابزار و شیوه‌های مختلف به کارگیری آن در شعر وی است.

پیشینه

با توجه به اهمّیت خاقانی و همچنین پیچیدگی و همه جانبه بودن شعر و اندیشه وی، تاکنون تحقیقات بسیاری در مورد زندگی و شعر او صورت گرفته است. علی‌رغم همه این تحقیقات و مطالعات ارزشمند، کتاب مستقّلی در مورد تمثیل‌پردازی و نحوه کاربرد آن در شعر خاقانی وجود ندارد؛ البتّه ممکن است مواردی مشابه در حوزه بررسی تمثیل در شعر خاقانی به صورت رساله یا طرح تحقیقاتی وجود داشته باشد.

اهداف و مقاصد خاقانی از کاربرد تمثیل

در مباحث پیشین اشاره کردیم که خاقانی یکی از شاعران صاحب‌اندیشه در عصر سلجوقی است؛ عصری که آغاز بیان تفکّرات صوفیانه و زاهدانه در شعر فارسی محسوب می‌شود. در همین دوره است که سنایی و نظامی در آثار اخلاقی، حکیمانه و زاهدانه خود؛ از جمله حدیقه و مخزن‌الاسرار در داستان‌های نمادین به بیان این تفکّرات پرداخته‌اند. خاقانی نیز به عنوان یکی دیگر از مبلغان این سبک در این دوره، در دیوان خود به بیان این مضامین پرداخته است. وی بخش قابل توجهی از این مفاهیم را به روش تمثیل که اغلب تلمیح به قصه‌ها و روایات دینی، اسطوره‌ای و... است، بیان نموده است. بنابراین اگر دو شاعر بزرگ هم‌فکر او در قالب مثنوی به تبلیغ این اندیشه پرداخته‌اند، خاقانی این خلأ را از طریق حکایات تمثیلی مطرح کرده است. البتّه با توجه به اینکه در این عصر هنوز رنگ و بوی انواع ادبی دیگر؛ از جمله مفاخره، مدح، هجو و... وجود دارد؛ بخشی از این حکایات تمثیلی به این موضوع اختصاص یافته است. در ادامه به اجمال به تحلیل هر یک از این مقاصد و اهداف در قصاید خاقانی به روش تمثیل می‌پردازیم.

الف: القای اندیشه‌های دینی، صوفیانه و اخلاقی

یکی از مهم‌ترین مقاصد خاقانی از کاربرد تمثیل در اشعار خود، تبیین اندیشه‌های انتزاعی و غیر حسّی در حوزه تفکّرات دینی، اخلاقی، زاهدانه و صوفیانه است. «البتّه با اطمینان می‌توان گفت که اندیشه‌های مبتنی بر دین در شعر همه شاعران فارسی زبان به نوعی بازتاب

داشته است و شاعران بنا بر نوع تربیت، اخلاق فردی، گرایش‌های فکری و زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و غیره به صورت‌های مختلفی، از دین الهام گرفته‌اند؛ اما در این میان، شعر خاقانی که نه در زمره عارفان محسوب است و نه همچون ناصر خسرو مدافع اندیشه خاص فرقه‌ای و در واقع هیچ گونه فشار خاص اجتماعی و سیاسی او را وادار به جبهه‌گیری نکرده است، بیش از دیگران جلب توجه می‌کند» (کرمی، ۱۳۸۰: ۹۷-۹۸)

در ابیات زیر توصیف مفاهیم پرکاربردی همچون: وحدت، عزلت، همّت، تمسک به فقر، زهد، بی‌اعتنایی به دنیا، سفارش به قناعت، پرهیز از شراب خواری و... که هر کدام در تعالیم دینی و اخلاقی تعریفی خاص خود را دارد و البته موضوع اصلی این نیز محسوب نمی‌شود، نمونه‌هایی از القاء این اندیشه‌های متعالی به حساب می‌آید.

آن رهروم که توشه ز وحدت طلب کنم زال زرم که نام به عنقا برآورم

(دیوان : ۲۴۵)

جان از درون به فاقه و طبع از برون به فقر دیو از خورش به هیضه و جمشید ناشتا

(دیوان : ۱۵)

لذا خاقانی در دو بیت فوق، دو مفهوم انتزاعی و غیر حسی عالم وحدت و عالم جان را با دو تلمیح اسطوره‌ای به روش حکایت تمثیلی برای مخاطب قابل درک و محسوس نموده است.

اگر شاعرانی چون سنایی، نظامی، عطار و مولوی در مثنوی‌های خود با مقوله‌هایی چون عشق و همّت به صورت داستان‌های نمادین و تمثیلی با مخاطبان خود ارتباط برقرار کرده‌اند، خاقانی نیز این نقصان را در قصاید خود اینگونه جبران می‌کند:

ترا زپشتی همّت به کف شود ملک بلی زپهلوی آدم پدید شد حوا

(دیوان : ۱۲)

فتراک عشق گیر نه دنبال عقل از آنک عیسیت دوست به که حواریت آشنا

(دیوان : ۳)

چنانکه در بحث انواع تمثیل اشاره شد، بخشی از تمثیل‌ها، صورت ضرب‌المثل ندارند و آن را اسلوب معادله نام نهاده‌اند. «در این روش که بیشتر مربوط به شاعران سبک هندی

است - شاعر در ایراد مثال، در اصل مثل، تغییر و تبدیل روا می‌دارد؛ زیرا در این روش شاعر در مصراع اول مطلبی می‌گوید و در مصراع دوم چیزی دیگر؛ اما دو سوی این معادله از رهگذر شباهت قابل تبدیل به یکدیگر هستند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۸۴) در این روش ممکن است، اصل ضرب‌المثل در میان مردم هم عصر شاعر به این روش وجود نداشته باشد؛ اما آنچه که در اینجا اهمیت دارد، مربوط به رسالت اصلی تمثیل است که محسوس کردن امور مجرد و انتزاعی است. در ابیات زیر، تمسک به فقر صوفیانه و همچنین پرهیز از آمال نفسانی را به روش مذکور بیان کرده است:

نچسته فقر سلامت کجا کنی حاصل تو را نگفته بسم به الحمد چون کنی مبدا
امان زامل به که اسب جنگی را به روز معرکه برگستوان به از هرا
(دیوان : ۱۲)

برخی از تمثیلات نیز (که البته تنها اختصاص به خاقانی ندارد) مربوط به امور واقعی و قراردادی عالم است که خاقانی از این روش نیز بی بهره نیست:

آز در دل کنی شود آتش سرکه بر مس نهی شود زنگار
(دیوان : ۱۹۹)

ب: القای اندیشه‌های حکیمانه

یکی از اهداف شاعرانی، چون خاقانی در شعر؛ بویژه اشعار تعلیمی، بیان اندیشه‌های حکیمانه است. منظور از اندیشه‌های حکیمانه، اندیشه‌هایی است که با مرام و مسلک خاصی ارتباط ندارد. این اندیشه‌ها بیشتر صورت پند و اندرز، موعظه و حکمت دارند و انسان را در یافتن راه درست زندگی یاری می‌دهند. برخی از تمثیلات خاقانی در این حوزه به کار رفته است. در ابیات زیر مضامینی همچون توجه به گذر عمر، بی وفایی روزگار، اهمیت سخن به روش تمثیل بیان شده است:

به چاه جاه چه افتی و ماه در نقصان به قصد فصد چه پویی و ماه در جوزا
(دیوان : ۷)

در باب تمثیل بیت فوق باید گفت، بخشی از تمثیلات شاعران مربوط به باورهای عامیانه و نجومی قدیم است که اگر چه ممکن است، شاعر فرزانه و حکیمی چون خاقانی به

این باورها معتقد نباشد؛ ولی برای تبیین مفاهیم مجرد و انتزاعی این امور را حقیقت فرض کرده است.

گیتی اهل وفا نخواهد شد شوره آب روان نخواهد داد

(دیوان : ۱۶۷)

و در باب اهمّیت دادن به سخن، به این حکایت تمثیلی متوسّل می شود:

سخن به است که ماند ز مادر فکرت که یادگار هم اسماء نکوتر از اسماء^۵

(دیوان : ۱۰)

ج: بیان مفاخره

یکی دیگر از اهداف خاقانی در به کارگیری تمثیل بیان مفاخره است. در این حوزه، خاقانی با بیان تمثیلات متنوع به این امر پرداخته است. در اینجا ذکر این مطلب لازم است که اصولاً یکی از ویژگی‌های قابل توجه در شعر سبک سلجوقی و عصر خاقانی خودستایی است. بیشتر شاعران این عصر برای بیان فضیلت و برتری خود بر رقیبان در کنار خودستایی به هجو دیگران نیز پرداخته اند. تمثیلاتی که خاقانی در این بخش به کار گرفته از جنبه‌های مختلفی برخوردار است.

محور مباحث تمثیلی در حوزه مفاخره، بیشتر شامل مفاخره به الگوهای اعتقادی و دینی، مفاخره به جایگاه شاعری خود و مفاخره به ممدوح محسوب می شود. در اینجا به اجمال با ذکر شواهد شعری به توصیف هر یک می پردازیم.

۱- مفاخره به الگوهای اعتقادی و دینی

اگر بخشی از شعر و ادبیات عصر خاقانی را توصیف و ترویج اندیشه‌ها و الگوهای دینی و اعتقادی بدانیم، جای تعجب نیست که در کنار این تعاریف و توصیفات، مواردی نیز جنبه مفاخره داشته باشد. به نظر می رسد، قصد خاقانی از بیان این گونه توصیفات تنها بیان منقبت و بزرگداشت این اندیشه‌ها و الگوهای اعتقادی و دینی نبوده؛ بلکه در این گونه اشعار جنبه فخر فروشی آن بیشتر قابل توجه است. بعضی از منتقدان شعر خاقانی نیز در این باب گفته اند: «مدایح مذهبی که درباره بزرگان دینی سروده شده، در میان قصاید خاقانی جایی ویژه دارد. ما این گونه مدایح را بیشتر در میان اشعار شاعرانی می یابیم که دارای تعهد مذهبی بوده اند

و یا لا اقل خود را طرفدار دین جلوه می‌داده‌اند؛ اما خاقانی از جمله شاعرانی است که بدون هیچ تعهد مذهبی در ستایش رسول اکرم (ص) و خانه کعبه قصایدی شیوا و استوار سروده است» (دشتی، ۱۳۶۴: ۳۰)

زبان ثناگر درگاه مصطفی خوشتر
که بارگیر سلیمان نکوتر است صبا
(دیوان : ۹)

اگر نظامی در مخزن الاسرار و دیگر مثنوی‌های خود مکرر به نعت حضرت رسول (ص) پرداخته‌است و وی را گوهر شب افروز دانسته:

گوهر شب را به شب عنبرین
گاو فلک برد زگاو زمین

خاقانی نیز به کمک تمثیل پیامبر (ص) را این گونه می‌ستاید:

فخر من بنده زخاک در احمد بینند
لاف دریا زدم عنبر سارا شنوند
(دیوان : ۱۰۳)

و در توصیف کعبه گفته است:

کعبه که قطب هدی است معتکف است از سکون
خود نبود هیچ قطب منقلب از اضطراب
هست به پیرامنش طوف کنان آسمان
آری برگرد قطب چرخ زند آسیاب
(دیوان : ۴۱)

نکته قابل توجه در دو بیت فوق این است که شاعر در این جا به صورت متوالی به دو تمثیل که ریشه در یک واقعیت عینی و اجتماعی دارد، متوسل گردیده است و این روش محور تمثیل در سبک هندی محسوب می‌شود.

یا در توصیف پیشوایان دینی خود اینگونه از تمثیل بهره‌مند گردیده است:

گر زدرت غایم جان بر تو حاضر است
مهره چو آمد به دست مار به کف گو میا
(دیوان : ۳۹)

و در توصیف تاج الدین رازی گفته است:

دل پاکش محل مهر من است
مهر کتف نبی است جای مهار
(دیوان : ۲۰۴)

۲- مفاخره به جایگاه شاعری خود

در دیوان خاقانی همانند بیشتر شاعران سبک آذربایجانی، اشعار زیادی در بیان مفاخره و خودستایی است، نکته قابل توجه در مورد این گونه اشعار خاقانی این است که اصولاً یکی از جنبه های زیباشناسی اشعار وی مربوط به همین مقوله (مفاخره) است. این نکته در اشعار شاعرانی چون سعدی و حافظ نیز از جایگاه خاصی برخوردار است؛ البته پرداختن به مفاخره های زیبا و ماندگار

در شعر فارسی نیاز به تحقیق مستقل و مفصل دارد.

ترش و شیرین است قدح و مدح من با اهل عصر کز عنب می پخته سازند وز حصرم توتیا

(دیوان : ۱۸)

جاهل نرسد در سخن ژرف تو آری کف بر سر بحر آید پیدانه به پایاب

تحقیق سخنگوی نخیزد ز سخن دزد تعلیق رسن باز نیاید ز رسن تاب

(همان : ۵۸)

نکته قابل توجه در تمثیلاتی که خاقانی در مبحث مفاخره به کار گرفته است، بیان خودستایی و مفاخره در کنار هجو و ملامت و سرزنش دیگران است. ابیات مذکور و همچنین ابیات زیر نمونه های متعددی از مقاصد خاقانی در کاربرد تمثیل است.

خضم تو گریست دون، هست چنان ای عجب از نفس کین تو در نفسی چند بار

آتش اندیشه چیست شعله زنان در دلش کآتش هرگز ندید کس که جهد از خیار

(دیوان : ۱۸۵)

از عدوی سگ صفت حلم و تواضع مجوی زآنکه به قول خدای نیست شیاطین زطین

(دیوان : ۳۳۵)

د: شکوائیه

آخرین اهداف و مقاصد پرکاربرد تمثیل در قصاید خاقانی، شکایت از روزگار، مردم زمانه، فقر و تهیدستی، بخت و اقبال و... است. در اینجا نیز باید اشاره کنیم، بیان شکوائیه و گله مندی از وضع موجود یک ویژگی مشترک در شعر شاعران دوره های مختلف است. آنچه

که در این زمینه اهمیت دارد، نحوه بیان این شکایات در شعر خاقانی، آن هم به کمک تمثیل است.

آزردۀ چرخم نکنم آرزوی کس آری نرود گرگ گزیده زپی آب
(دیوان : ۵۶)

یا در شکایت از پدر زن خود ابوالعلائی گنجوی گوید:

گر او نشسته و من ایستاده‌ام شاید نشسته باد زمین و به پای باد سما
ور او به راحت و من در مشقتم چه عجب که هم زمین بود آسوده و آسمان دروا
(دیوان : ۱۰)

قبلاً نیز اشاره شد که بخشی از روش های القای معنا در شاعران اندیشمند و حکیم، بهره مندی از باورهای عامیانه است که در تمثیل اول در ابیات فوق قابل توجه است. شاعر در دو تمثیل بعدی در ابیات مذکور که به صورت متوالی ذکر کرده، یک واقعیت عینی، محسوس و قراردادی را مطرح نموده است. در بیت‌های زیر که از بخت و اقبال شکایت می کند، ضمن بیان تمثیل از طریق تلمیح، تمثیل را در بیت دوم ذکر کرده است:

گله از چرخ نیست از بخت است که مرا بخت در سر اندازد
یوسف از گرگ چون کند نالش که به چاهش برادر اندازد
(دیوان : ۱۲۴)

ابزار و عناصر به کار رفته در تمثیلات خاقانی

همان گونه که در چکیده و مقدمه این مقاله اشاره کردیم، دومین موضوع و هدف نگارنده در این مقاله، مربوط به ابزار یا عناصری است که خاقانی در کاربرد تمثیل از آنها استفاده کرده است؛ بنابراین در این بخش به ذکر عناصر متنوعی که خاقانی از آنها در تمثیل پردازی های خود سود جسته است، می پردازیم.

اشاره به علوم مختلف

از جمله ابزار و عناصری که خاقانی در تمثیل پردازی های خود به کار برده، بهره مندی از علوم مختلف است که مربوط به دوران حیات شاعر یا قبل از وی است. در این تمثیلات از دانش های گوناگونی چون: طب سنتی که شامل گیاهان شفابخش، آشامیدنی های نیرودهنده و

انواع بیماری‌ها است و همچنین علوم دیگری چون: اختر شناسی کهن، دانش موسیقی، ریاضی و... نیز از جمله عناصر و ابزار به کارگیری تمثیل در قصاید خاقانی محسوب می‌شود.

مساز عیش که نامردم است طبع جهان مخور کرفس که پرکژدم است صحن سرا

(دیوان : ۸)

خاک درگاهت دهد از علّت خذلان نجات کاتفاقت اینکه از یاقوت کم گردد و با^۶

(دیوان : ۲۲)

در توضیح و تحلیل مباحث فوق و همچنین ابیات مذکور ذکر دو نکته لازم است. نکته اول اینکه بهره مندی از علوم مختلف؛ بویژه در عصر خاقانی، ویژگی مشترک سبک شعری شاعران این دوره است و آنچه در اینجا اهمیت دارد، نحوه به کارگیری این علوم به روش تمثیل در شعر خاقانی است که همگی نشان از تنوع تمثیلات و فردیت شعر خاقانی است. نکته دوم این است که این علوم؛ از جمله پزشکی با روش سنتی و قدیمی آن قابل توجه است و چه بسا توصیف و ذکر این علوم صورت و نشانی از باورهای عامیانه داشته باشد. آنچه که از نظر شاعرانی همانند خاقانی اهمیت دارد، القای اندیشه و مضامین انتزاعی است.

اشاره به داروهای گیاهی، کانی و معجون‌ها می‌تواند نمونه‌ای از مطالب فوق باشد:

شست تو همّت است و صید تو مال صید بدهی رواست شست مده

مهره مار بهر مار زده است به کسی کز گزند رست مده

(دیوان : ۸۰۰)

در ابیات زیر نیز به گونه‌ای دیگر و همچنین ذکر نام عیسی (ع) به خصلت جان‌بخشی

وی اشاره کرده است:

نه پیش من دواوین است و اشعار نه عیسی را عقاقیر است و هاون

(دیوان : ۳۱۹)

تورا مقامر صورت کجا دهد انصاف تورا هلیله زرین کجا برد صفرا

(دیوان : ۱۱)

بنابراین توانمندی خاقانی در بیان تمثیل به منظور محسوس کردن مفاهیم ذهنی و آرمانی خود متنوع و منحصر به فرد است. در ابیات زیر این روش را با ذکر معجون‌ها بیان می‌کند:

بوی راحت چون توان برد از مزاج این دیار نوشدارو چون توان جست از دهان ازدها

(دیوان : ۱۲)

ریحان هر سفالی بی کژدمی نیبم جلاب هر طبییی بی نشتری نیبم

(دیوان: ۲۹۷)

اشاره مکرر و متنوع به علم نجوم و اجرام سماوی نیز در قصاید خاقانی؛ از جمله موارد فردیت در سبک شعری وی محسوب می‌شود. بخش زیادی از این اشارت در حوزه تمثیل به کار رفته است و به‌عنوان ابزار دیگری است که خاقانی در بیان اندیشه‌های خود به آنها متوسل گردیده است. در اینجا نیز برای پرهیز از اطاله کلام، تنها به ذکر مواردی اندک اشاره می‌کنیم. مراجعه به جداول و نمودارهای تحقیق، آمار دقیق اصطلاحات نجومی البته در حوزه تمثیل را نشان می‌دهد.

ایام به نقصان و ترا کوشش بیشی خورشید به سرطان و تراپوشش سنجاب^۷

(دیوان : ۵۷)

عمر ضایع شده را سلوت جان بازآرید نسر واقع شده را قوت پر باز دهید

(دیوان : ۵۷)

دانش موسیقی نیز بخشی از اشتغالات ذهنی خاقانی محسوب می‌شود. اطلاعاتی که شاعر از آلات موسیقی و الحان و اقوال و پدیده‌های آن در اشعار خود به نمایش گذاشته است، نشان‌دهنده آشنایی او با موسیقی زمان خود است. او برخی از این اصطلاحات را در مقوله تمثیل به کار گرفته است. در اینجا به ذکر نمونه‌ای بسنده می‌کنیم.

چه خوش حیات چه ناخوش چو آخر است زوال چه جعد زخمه چه ساده چو خارج است نوا

(دیوان : ۱۲)

در بیت فوق برای نشان دادن ناپایداری حیات، تمثیل را به مدد ابزار آلات موسیقی بیان می‌کند و اشاره می‌نماید: همان‌گونه که اگر نوای موسیقی در مقام اصلی خود نباشد، پیچیده‌بودن یا ساده‌بودن آن توفیری نمی‌کند؛ لذا چون اساس حیات و روزگار بر نیستی است،

خوشی و ناخوشی آن یکسان است. در دو بیت زیر از این دانش (موسیقی) در ستایش ممدوح سود جسته است:

از کف و شمشیر تست معتدل اران ملک
 زان دو اگر کم کنی ملک شود ناتوان
 راستی چنگ را بیست و چهار است رود
 چون یکی از وی گسست کوژ شود بی گمان
 (دیوان : ۳۳۳)

در اینجا موضوع بهره‌مندی از دانش را در تمثیلات خاقانی با ذکر نمونه‌ای در دانش ریاضی قدیم به پایان می‌بریم:

گر به ناگه زوطن کردی نقل
 بیش یابی ززمانه حسنات
 آن نبینی که یکی ده گردد
 چون زآحاد رسد در عشرات
 (دیوان : ۷۵۴)

بازی‌ها و سرگرمی‌ها

یکی دیگر از عناصر به‌کار رفته در تمثیل‌های خاقانی ذکر بازی‌ها و سرگرمی‌های روزگار او است. «اسناد و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که ایرانیان قدیم زنده‌دل، بانشاط و پرتحرک بوده‌اند و در کنار کار و تلاش از ورزش و بازی و سرگرمی هم غافل نبوده‌اند.» (معدن کن، ۱۳۷۵: ۴۱۵).

بازی‌ها و سرگرمی‌هایی چون نرد و شطرنج و بیان اصطلاحات مربوط به آنها؛ از جمله مفاهیم مضمون‌ساز و نکته‌آفرین اشعار خاقانی است. او بخشی از این مشاغل و سرگرمی‌ها را در حوزه تمثیل به کار گرفته و از این طریق با مخاطبین خود ارتباط برقرار نموده است.

خوش نبود شاه دل اسب گلین زیر ران
 رخس به هرآی زر منتظر ران او
 دل که کنون بیدق است باش که فرزین شود
 چون که به پایان رسد هفت بیابان او
 (دیوان : ۳۶۳)

در تمثیل زیر نیز گرفتاری و مصائب روزگار را با «در ششدر افتادن» در بازی نرد مقایسه کرده‌است:

بس کس که اوفتاد در این غرقه‌گاه غم
 چشم خلاص داشت سفینه وفا نکرد
 آن مهره دیده‌ای که چو در ششدر اوفتاد
 هرگه که خواست رفت حریش رها نکرد
 (دیوان : ۷۶۵)

اسطوره‌های ملی، داستان‌های دینی و تاریخی

اسطوره با مفاهیم متنوع و گسترده آن در دوره‌های مختلف شعر فارسی از عناصر مهم مباحث توصیفی و تعلیمی شاعران محسوب می‌شود. «در بین قدما آنان که از فرهنگ غنی ادب فارسی برخوردار هستند، کمتر شاعری را می‌بینیم که از این رموز واره‌ها به نحو شایسته‌ای استفاده نکرده باشد» (اردلان جوان، ۱۳۷۳: ۴۱ - ۴۲). در کنار اسطوره داستان‌های دینی مربوط به پیامبران که اغلب متأثر از قرآن کریم است و همچنین تاریخ ایران قبل و بعد از اسلام، از دیگر عناصر و ابزار مضمون‌ساز در شعر شاعران در اعصار مختلف شعر فارسی از جمله عصر خاقانی است.

همانگونه که در مطالب مربوط به اهداف تمثیل در شعر خاقانی اشاره کردیم؛ شعر عصر خاقانی، شعر اندیشه محور و آرمان گراست. در این عصر بیان نمادین داستان‌های اسطوره‌ای، دینی و تاریخی برای القای اندیشه‌های متعالی، شیوه مشترک و معمول این دوره محسوب می‌شود. بخشی از حکایت‌های تمثیلی در حدیقه سنایی، مخزن الاسرار نظامی و مثنوی‌های عرفانی عطار نیشابوری؛ بویژه منطق الطیر، مصیبت‌نامه و الهی‌نامه گویای این واقعیت است. اوج این حکایات تمثیلی و نمادین یک قرن بعد در مثنوی مولوی تحقق می‌یابد. کتاب ارزشمند «بحر در کوزه» نشان‌دهنده نمونه‌ای از فرهنگ حکایت‌های تمثیلی در مباحث اخلاقی و حکمی است.

مطلبی که در اینجا قابل توجه است، مربوط به شیوه خاقانی در بیان اندیشه‌های آرمانی و متعالی است. با توجه به اینکه وی عمده این مباحث را در قالب قصیده مطرح نموده است و همچنین نظر به اینکه قالب قصیده جایی برای طرح داستان‌های مفصل و طولانی نیست؛ وی اغلب این حکایات را به صورت تلمیح و به مدد تمثیل طرح نموده است. اگر به نمودار (۲) فراوانی عناصر در تمثیل‌های خاقانی مراجعه کنیم؛ به اوج هنرمندی خاقانی برای طرح داستان‌های مختلف به کمک تمثیل پی می‌بریم. در ادامه این بحث به شواهدی از کاربرد تمثیل از طریق داستان‌های اسطوره‌ای، دینی و تاریخی اشاره می‌کنیم.

- بیان خرسندی و قناعت

خرسندی من دل دهم گر ندهد خلق سیمرخ غم زال خورد گر نخورد باب

(دیوان : ۵۷)

- در بیان تواضع

اگر تن به حضرت نیارم عجب نی
که رخس سزاوار رستم ندارم
(دیوان : ۵۷)

- بی‌بهرگی از فضیلت و دانش خود

مرا از اختر دانش چه حاصل
چه راحت مرغ عیسی را زعیسی
که من تاریکم او رخشنده اجزا
که همسایه است با خورشید عذرا
(دیوان : ۲۴)

- ستایش حضرت رسول (ص) با بهره‌مندی از داستان حضرت مریم(س)

زبان بسته به مدح محمد آرد نطق
که نخل خشک پی مریم آورد خرما
(دیوان : ۱۳)

- مفاخره به خود با متوسل شدن به حکایت تمثیلی حضرت یوسف(ع) و پیامبر(ص)

دشمنند این‌ذهن و فطنت را حریفان حسد
حسن یوسف را حسدبردند مثنی ناسپاس
منکردند این سحر و معجز را رفیقان ریا
قول احمد را خطا گفتند جوقی ناسزا
(دیوان : ۱۸)

- ارزشمندی عالم وحدت و کوچک‌شمردن امل و آرزو

با امل هم‌ره وحدت کی شود ور چون شود
مرد چوبین دست با بهرام چوبین هم‌عنان
(دیوان : ۳۲۵)

در پایان این مقاله قبل از صفحات جداول، نمودارها و نتیجه‌گیری، ذکر چند نکته از باب یادآوری ضروری به نظر می‌رسد:

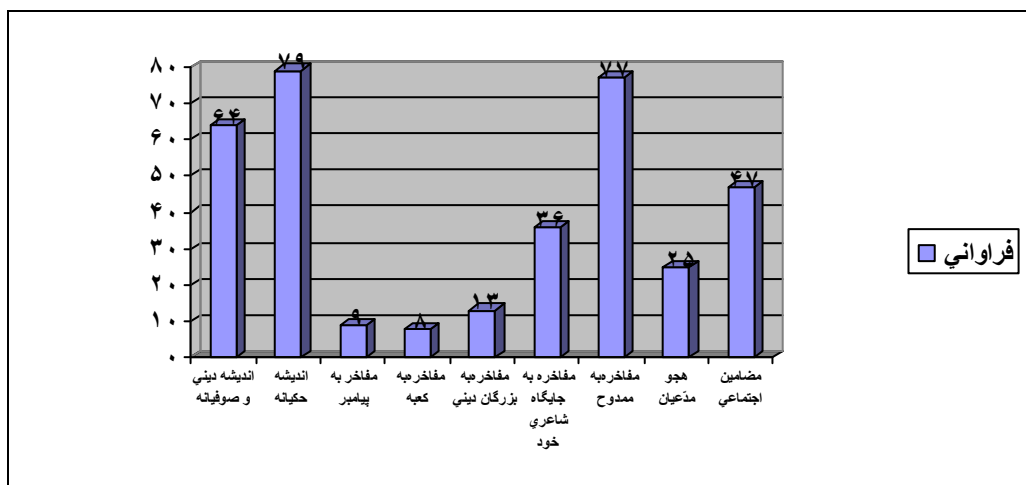
۱- همان‌گونه که در چکیده نیز اشاره شد، با وجود تمامی تعاریف و توصیفات آشفته‌ای که در دوره‌های مختلف ادبی در مورد تمثیل وجود دارد، مبنای تمثیل و تعریف آن در این تحقیق همان تعریفی است که زرین کوب در کتاب «بحر در کوزه» از قول جرجانی نقل کرده است. جرجانی تمثیل را یکی از ابزارهای هنری می‌داند که امور انتزاعی و معقول را برای مخاطب محسوس و ملموس می‌کند. لازم به ذکر است، محور تحلیل حکایات تمثیلی مثنوی در کتاب بحر در کوزه بر اساس همین تعریف از تمثیل است.

- ۲- بخش عمده‌ای از مباحث تحلیلی این مقاله مربوط به طبقه‌بندی متنوع اهداف و ابزار کاربرد تمثیل در قصاید خاقانی است. البته به منظور پرهیز از طولانی شدن بحث، بعضی از تقسیم‌بندی‌های جزئی را تنها در جداول و نمودارها ذکر کرده‌ایم.
- ۳- مبنای این تحقیق، تحلیل و بررسی تمامی تمثیل‌های قصاید خاقانی است؛ بنابراین اعداد و آماری که در جداول و نمودارها آمده است دقیق و قابل اعتماد است.
- ۴- شواهد شعری در نهایت اجمال و اختصار ذکر شده است.

جدول (۱) فراوانی اهداف و اغراض در تمثیل‌ها

درصد فراوانی تجمعی	فراوانی	اهداف و اغراض کاربرد تمثیل
۲۱/۹۸	۸۰	القای اندیشه‌های حکیمانه
۱۸/۷۷	۷۰	القای اندیشه‌های دینی، صوفیانه و اخلاقی
۲۰/۶۴	۶۰	مفاخره به ممدوح با ذکر اوصاف او
۱۳/۴۰	۵۰	مضامین اجتماعی
۹/۶۵	۳۶	مفاخره به جایگاه شاعری خود
۶/۹۷	۲۶	هجو و سرزنش مدعیان و رقیبان
۳/۷۵	۱۴	مفاخره به پیشوایان و بزرگان دینی
۲/۶۸	۱۰	مفاخره به پیامبر و خاک مطهر ایشان
۲/۱۴	۸	مفاخره به کعبه

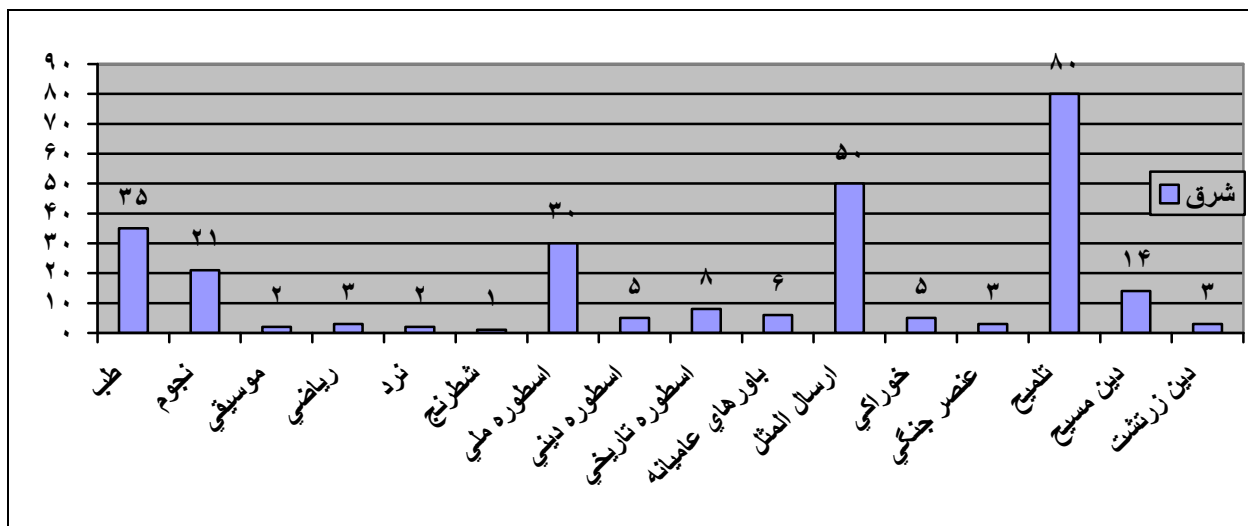
نمودار (۱) فراوانی اهداف و اغراض در تمثیل‌ها



جدول (۲) فراوانی ابزار و عناصر در تمثیل‌ها

ابزار و عناصر کاربرد تمثیل	فراوانی	درصد فراوانی	ابزار و عناصر کاربرد تمثیل	فراوانی	درصد فراوانی
تلمیح	۸۰	۲۵/۲۳	باورهای عامیانه	۶	۱/۸۹
اسطوره دینی	۵۴	۱۷/۰۳	خوراکی	۵	۱/۵۸
ارسال‌المثل	۵۰	۱۵/۷۷	ریاضی	۳	۰/۹۴
طب	۳۵	۱۱/۰۴	عناصر جنگی	۳	۰/۹۴
اسطوره ملی	۳۰	۹/۴۶	دین زرتشت	۳	۰/۹۴
نجوم	۲۱	۶/۶۲	نرد	۲	۰/۶۳
دین مسیح	۱۴	۴/۴۱	موسیقی	۲	۰/۶۳
اسطوره تاریخی	۸	۲/۵۲	شطرنج	۱	۰/۳۱

نمودار (۲) فراوانی عناصر در تمثیل‌ها



نتیجه گیری

تأمل در قصاید خاقانی نشان می‌دهد که وی چگونه با به کار گرفتن تمثیل‌های ساده و زیبا توانسته است، نکاتی بسیار ظریف را به ذهن خواننده القا کند. در این زمینه، حتی بسیاری از مسائل پیچیده و دقیق فکری، به مدد تمثیل‌هایی که خاقانی در قصایدش به کار برده به صورتی محسوس و روشن در پیش چشم تجسم می‌یابد.

او بی‌هیچ درنگ و دریغ از بازی‌های مختلف گرفته تا هنجار و رفتار ستارگان، هر آنچه را شایسته دانسته، در تمثیل‌های خویش به کار گرفته است. از این روی، قصیده‌ها و دیگر سروده‌های ایـــــن سخن‌گستر ژرف‌اندیش و فراخ‌نگر گذشته از ارزش‌های هنری و ادبی، گنجینه‌های گرانبهایی از ویژگی‌ها و هنجارهای اجتماعی ایران، در سده ششم هجری است. به طوری که به یاری این تمثیل‌ها و با درنگ و کاوش در بسترهای پندار خاقانی می‌توان کمابیش به شیوه زندگی مردمان پی برد؛ نهادها و رسم و راه‌های گوناگون را بازیافت و به نما و نگاری از جامعه ایرانی در روزگار او دست یافت. دیوان خاقانی و بویژه قصاید او، آینه‌ای است که می‌توان بسیاری از نمودها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی را در چندین سده پیش به روشنی و آشکاری در آن بازیافت و بازنگریست.

به طور کلی از بررسی تمثیل‌های دیوان خاقانی به نتایج زیر رسیدیم:

- ۱- در اشعار خاقانی نگاه ویژه‌ای به مقوله تمثیل وجود دارد.
- ۲- خاقانی در قصایدش تمثیل را همچون دیگر ویژگی‌های شعری با زیبایی خاصی به کار برده و خلأ داستان‌های طولانی را به کمک تمثیلات تلمیحی جبران نموده است.
- ۳- وی از تمثیل برای بیان مقاصد و اهداف خود که شامل القای اندیشه‌های دینی و صوفیانه و القای اندیشه‌های حکیمانه، بیان مفاخره، هجو و سرزنش مدعیان و بیان مضامین اجتماعی عصر خود است؛ سود جسته است.

۴- خاقانی در تمثیل پردازی‌های خود از عناصر و ابزاری همچون: طب، نجوم، اسطوره، تلمیح، ارسال‌المثل، موسیقی، ریاضی، بازی‌ها و سرگرمی‌ها و ادیان مسیح و زرتشت استفاده نموده است.

۵- خاقانی از تمثیل به منظور آشنایی بیشتر مخاطبان با مفاهیم پیچیده و بلندذهنی خود استفاده کرده و به کمک آن امور مجرد و انتزاعی را ملموس و محسوس نموده است.

۶- عصری که خاقانی در آن به سر می‌برده، در تمثیل پردازی‌های او بسیار انعکاس داشته است.

پی‌نوشتها

- ۱- غالب فرهنگ‌نامه‌های ادبی، فابل، پارابل، آگزمپلوم و حکایت حیوانات را از اقسام الیگوری و از نوع تمثیل کوتاه به شمار آورده‌اند. ر.ک: فتوحی، ۱۳۸۶: ۲۶۷-۲۶۹ و شمیسا، ۱۳۷۰: ۷۳-۷۵
- ۲- این اصطلاح را شفیع‌کدکنی بر اساس تحلیل زبان‌شناختی وضع کرده است. ر.ک: شفیع‌کدکنی، ۱۳۶۶: ۸۴
- ۳- برای تفصیل درباره فابل و پارابل، ر.ک: تقوی، ۱۳۷۶: ۹۲-۹۵.
- ۴- در این بیت خاقانی از باوری اخترشمارانه سخن در میان آورده‌است: آنگاه که ماه به برج دو پیکر می‌رسد و در منازل ششم و هفتم جای می‌گیرد، رگ‌زدن روا نیست.
- ۵- «اسماء» از عرایس عرب است که دختری زیباتر از خود به نام اسماء داشت و این دختر معشوقه سعد بود.
- ۶- خاقانی در تمثیل اول، از باوری در پزشکی کهن یاد کرده‌است که بر پایه آن، اگر کسی را که کرفس خورده است کژدم بگزد، کشته خواهد شد و در تمثیل دوم به این باور پزشکی اشاره دارد که یاقوت در درمان بیماری وبا کارساز است. برای آگاهی در مورد انواع داروها، گیاهان دارویی و به طور کلی طب سنتی، ر.ک: ماهیار، پنج‌نوش سلامت، ۱۳۸۴.
- ۷- برای توضیح و تفسیر بیشتر این‌گونه ابیات، ر.ک: ماهیار، از ثری تا ثریا، ۱۳۸۴ و سجّادی، فرهنگ لغات و تعابیر خاقانی، ۱۳۷۴.

منابع و مآخذ

- ۱- اردلان جوان، سیدعلی، (۱۳۷۳)، تجلی شاعرانه اساطیر و روایت‌های تاریخی و مذهبی در اشعار خاقانی، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
- ۲- پورنامداریان، تقی، (۱۳۷۵)، رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- ۳- تقوی، محمد، (۱۳۷۶)، حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی، تهران: روزنه، چاپ دوم.
- ۴- خاقانی، افضل‌الدین (۱۳۸۵)، دیوان، تصحیح سیدضیاءالدین سجادی، تهران: زوآر، چاپ هشتم.
- ۵- دشتی، علی، (۱۳۶۴)، خاقانی شاعری دیر آشنا، تهران: اساطیر، چاپ چهارم.
- ۶- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۶)، بحر در کوزه، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- ۷- سجادی، ضیاءالدین، (۱۳۷۴)، فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح‌اعلام و مشکلات دیوان خاقانی، تهران: زوآر، چاپ اول.
- ۸- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۶۶)، صورخیال در شعر فارسی، تهران: نشر آگاه، چاپ سوم.
- ۹- _____، (۱۳۵۸)، موسیقی شعر، تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۰- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۰)، معانی و بیان، تهران: فردوسی، چاپ اول.
- ۱۱- فتوحی، محمود، (۱۳۸۶)، بلاغت تصویر، تهران: سخن، چاپ سوم.
- ۱۲- کرمی، محمدحسین، (۱۳۸۰)، «بازتاب هنری اندیشه دینی در هفت چکامه نخست دیوان خاقانی»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، دوره دوم، شماره سوم، ص ۹۵-۱۲۰.
- ۱۳- کزّاری، میرجلال‌الدین، (۱۳۸۷)، گزارش دشواری‌های دیوان خاقانی، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- ۱۴- ماهیار، عباس، (۱۳۸۲)، شرح مشکلات خاقانی: از ثری تا ثریا، کرج: جام گل، چاپ اول.
- ۱۵- _____، (۱۳۸۴)، پنج‌نوش سلامت، کرج: جام گل، چاپ اول.

-
- ۱۶- معدن کن، معصومه، (۱۳۷۵-۱۳۷۸)، نگاهی به دنیای خاقانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم.
- ۱۷- نظامی، الیاس ابن یوسف، (۱۳۸۰)، مخزن الاسرار، تصحیح و حواشی حسن وحید دستجردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: نشر قطره، چاپ پنجم.
- ۱۸- همایی، جلال الدین، (۱۳۶۷)، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول.